

بررسی فلسفه و قلمروی حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن

مریم عظیمیان*

دکتر سعید بهشتی**

چکیده

این مقاله به بررسی فلسفه و حدود حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن و نیز راهکارهای درونی کردن حجاب می‌پردازد. این بررسی از نوع توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوا است. پس از بررسی فلسفه حجاب از دیدگاه قرآن، سنت، عقل و فطرت، دو فلسفه اساسی برای حجاب به دست آمد. نخست، جلوگیری از تحریک مردان در جامعه و دیگری حفظ امنیت زن تا هم از شر مزاحمان دور باشد و هم بتواند به راحتی در جامعه رفت و آمد کند. حدود حجاب زن در بعد فردی این است که تمام بدن به غیر از وجه و کفین (گردی صورت و دست‌ها تا میچ) را از نامحرم بپوشاند ولی این پوشش در محیط خانواده، نزد محارم لزومی ندارد. با وجود این، زنان در محیط اجتماعی باید از هر گونه جلب نظر پرهیزند حتی در سخن گفتن و راه رفتن. مهم‌ترین آثار حجاب در بعد فردی، مصونیت، آرامش و امنیت زن و در بعد خانوادگی، استحکام و ثبات خانواده و در بعد اجتماعی، و سلامت اخلاق جامعه است. روش‌های درونی کردن حجاب نیز عبارتند از ارتقا و تقویت ایمان به خدا، اطلاع‌رسانی در زمینه حجاب، بیان فلسفه حجاب و آثار مثبت آن، معرفی الگوهای والای حجاب و

واژه‌های کلیدی: حجاب، ارکان حجاب، ابعاد حجاب، آثار حجاب و تعلیم و تربیت اسلامی

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تربیت اسلامی

Email: azimian786@gmail.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۷ تاریخ تأیید: ۸۸/۳/۲۵

مقدمه

مسئله پوشش و حجاب زن، حقیقتی به بلندای تاریخ است که هر زمان رنگی و آهنگی یافته و هر کس با دیدگاه خود آن را نقد و بررسی کرده است. گروهی که مخالف پوشش بوده‌اند، غالباً خواسته‌اند توجیهاتی غیر منطقی و نامعقول برای آن ارائه کنند. روشن است که اگر انسان مسئله‌ای را از اول خرافه فرض کند، توجیهی هم که برای آن بیان می‌کند، متناسب با خرافه خواهد بود. دلایلی که این دسته از افراد برای فلسفه حجاب می‌آورند، میل به ریاضت و رهبانیت، استثمار زن، احساس عدم امنیت و حسادت است. اما آیا اسلام که این حکم را بر زنان فرض کرده، این دلایل را می‌پذیرد؟ یا آنکه فلسفه حجاب اسلامی مطلب دیگری است؟

در این پژوهش، فلسفه و دلایل حجاب در اسلام در چهار بخش، با توجه به آیات و روایات بررسی می‌شود. سپس «قلمروی حجاب»، به لحاظ فردی، خانوادگی و اجتماعی و در نهایت، «آثار تربیتی حجاب» و روش‌های درونی کردن آن تبیین می‌شود.

فلسفه حجاب

در این پژوهش، فلسفه حجاب به دلایلی برمی‌گردد که علت وجود این حکم شده است. منبع وحی در اسلام شامل آیاتی است که به این فرضیه تصریح دارد. در ادامه با مراجعه به سنت ائمه طاهرین - علیهم‌السلام - (قول، فعل و تقریر)، پایه‌های تفصیلی این حکم بیشتر مشخص می‌شود.

الف. حجاب از دیدگاه قرآن

توجه به آیات حجاب و ترتیب نزول آنها نشان می‌دهد که حکم حجاب، یک باره اعلام نشده، بلکه کم‌کم و با گذشت زمان و آماده شدن زمینه نازل شده است. «ابتدا در روزهای پایانی سال پنجم هجری، در جریان ولیمه ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش (همسر طلاق داده شده زید بن حارثه)، آیه حجاب همسران پیامبر، بر آن حضرت نازل شد. بر طبق دستور این آیه شریفه، همه مردان باید از پشت پرده با همسران پیامبر سخن بگویند. در مرحله دوم، خویشاوندان نسبی از دایره این حکم بیرون شدند و آنان اجازه یافتند که با همسران پیامبر بدون پرده سخن بگویند. در مرحله سوم، جلباب (چادر) به

عنوان حقی برای همسران و دختران پیامبر و زنان مؤمن قرار داده شد. در مرحله چهارم، آیات سوره نور، احکام حجاب بانوان را روشن کرد. در مرحله پنجم، اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت بانوان محرم، مطرح شد (عابدینی، نشریه فقه، ش ۲۳، ص ۴۹-۵۰).

نخستین مرحله: نزول آیات ۳۲، ۳۳ و ۵۳ سوره احزاب

«وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ؛ هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید، از پشت پرده بخواهید» (احزاب، ۵۳). سپس دلیل این دستور را چنین بیان می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ؛ حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنان پاکیزه بماند، بهتر است» (همان).

پیش از نازل شدن آیه حجاب در این سوره، آیات دیگری نازل شده که در آنها شأن همسران پیامبر از دیگر زنان، در صورت حفظ تقوای الهی، برتر دانسته شده است و به همسران پیامبر دستور داده شده که از حجره‌ها، مگر برای کارهای ضروری خارج نشوند و با ناز و کرشمه، با مردان سخن نگویند و مانند دوره جاهلیت نخستین خود را زینت ندهند. «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ التَّقِيَّتْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ ای زنان پیغمبر، شما مانند یکی دیگر از زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع است) اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید. پس زنهار، نازک و نرم با مردان سخن مگویید. مبادا آنکه دلش بیمار (هوی و هوس) است و به طمع افتد، بلکه متین و درست سخن بگویید و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید» (احزاب، ۳۲ و ۳۳).

دومین مرحله: نزول آیه ۵۵ سوره احزاب

«لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَ لَا أَبْنَائِهِنَّ وَ لَا إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا نِسَائِهِنَّ وَ لَا مَمْلُوكَاتٍ أَيْمَانُهُنَّ وَ اتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا؛ و زنان را باکی نیست که بر پدران، فرزندان، برادرانشان، فرزندان برادران، فرزندان خواهرانشان، زنان مسلمان و کنیزان ملکی بدون حجاب در آیند و (از غیر اینها اجتناب کنند) و از خدا بترسید که او بر همه چیز کاملاً گواه است» (احزاب، ۵۵).

از بررسی این آیات نکاتی به دست می‌آید و آن اینکه، پنج گروه نخست از گروه‌های نام برده، همان‌هایی هستند که «محرمان نسبی» نام دارند؛ بنابراین، حکم حجاب برای زنان پیامبر بدین منظور نبوده که آنان خود را از تیررس چشم محرمان نسبی به دور نگه دارند و به دیگر سخن، همسران رسول خدا وظیفه ندارند که با محرمان نسبی خود نیز از پشت پرده سخن بگویند. آنان همان گونه که قبل از این اجازه داشته‌اند که بدون حجاب و پرده با محرمان نسبی خود سخن بگویند، اکنون که به همسری پیامبر در آمده‌اند، نیز می‌توانند با محرمان نسبی بدون پرده سخن بگویند.

سومین مرحله: نزول آیه ۵۹ سوره احزاب

«یا ایها النبیُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ، ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو: چادرهای خود را بر دوش گیرند. این نزدیک‌تر است برای اینکه شناخته و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹).

تا کنون روشن شد که همسران پیامبر باید خود را در پشت پرده نگه دارند و تنها با خویشان نسبی، زنان مؤمن و بردگان می‌توانند بدون پرده رو به رو شوند. از یک سو، این وظیفه، شرافت ویژه‌ای نیز بود که شامل زنان پیامبر شده بود. بدون شک جنبه شرافتی و حق بودن حجاب از جنبه تکلیفی آن بیشتر بوده است. از این رو، به دنبال اعلام حکم حجاب، وعده بهشت برای پیروی‌کنندگان از این دستور و وعده عذاب برای مخالفان آن، مطرح نشد؛ بلکه دلیل عقل‌پسند و عرف‌پسند آورده شد: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین؛ برای شناخته شدن و اذیت نشدن این بهتر است». به همین خاطر که جنبه شرافتی و حق بودن آن بیشتر مورد نظر بوده، زنان مدینه، برای جلوه‌گر شدن عظمت و حشمت خود، چادر سیاه بر سر کردند، با اینکه پیامبر نفرموده بود که چادر سیاه بر سر کنند. البته با توجه به اینکه پارچه و پوشش سیاه به سبب جذب حرارت خورشید، برای سرزمینی چون شبه جزیره عربستان، مناسب نیست؛ بنابراین، تنها توجیهی که برای این گونه لباس وجود دارد، همان عظمت و حشمت پیدا کردن و استفاده کامل از این حق است.

در اینجا لازم است که واژه اصلی آیه، یعنی «جلباب» شرح داده شود. برای جلباب، معناها و نمونه‌های گوناگون در کتاب‌های لغت و تفسیر ذکر شده است. در روح

المعانی، چند معنی برای جلباب آورده شده است: ۱. آنچه از بالا تا پایین را بپوشاند، مانند چادر؛ ۲. مقنعه؛ ۳. ملحفه؛ ۴. هر لباسی که زن آن را روی لباس‌هایش بپوشد، مانند روپوش و غیره؛ ۵. هر آنچه با آن پوشش انجام بگیرد، چه عبا باشد و چه غیر آن؛ ۶. لباسی گشادتر از سرپوش و کوچک‌تر از رداء.

پس واژه جلباب، به معنای چادر و همانند آن است، نه به معنای روسری و پوشیه. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که چادر، به طور معمول، جلو بسته نیست. بنابراین، چادر سر کردن، با باز بودن و آشکار بودن جلوی سر، صورت و گوش‌ها منافاتی نداشته است، از اینجا معلوم شود که این آیه در صدد تحدید حجاب و قرار دادن حد و مرز برای آن نبوده است؛ بلکه قصد داشته تا نشانه‌ای برای زنان آزاده و پاکدامن قرار دهد و با امتیاز قلمداد کردن آن، کاری کند که بانوان، با شوق پذیرای حجاب شوند. شاید این گونه نشانه‌گذاری و جداسازی صف پاکدامنان از ناپاکدامنان و یا آزادگان از کنیزکان، با خواست خود زنان صورت گرفته باشد؛ چرا که آنان مورد اذیت و آزار اراذل و اوباش قرار می‌گرفتند، به همین خاطر گاه و بی‌گاه، به پیامبر شکوه می‌کرده و خواستار راه چاره‌ای بوده‌اند؛ لذا خداوند این راه چاره را برای آنان مطرح کرده است.

چهارمین مرحله: نزول آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (۳۰) قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۳۱).

آیه ۳۱ سوره نور، بیان چهارمین مرحله از حجاب را بر عهده دارد و افزون بر حجاب زنان، امور گوناگون دیگری، مانند کوتاه کردن نگاه مردان، آشکار نکردن زینت و آرایش در نزد نامحرمان را نیز از شأن نزول آن دانسته‌اند. همچنین از آیه «قل للمؤمنات» بر می‌آید که زنان مدینه سر و بدن خویش را می‌پوشانده، ولی بخش‌هایی از

سر و سینه را باز می‌گذاشته‌اند؛ بنابراین، این آیه دربارهٔ قسمت‌هایی که پوشیده نمی‌شده، دستورهایی داده است. از این جمله که می‌فرماید: روسری‌های خود را بر گریبان خود بیندازید، ظاهر می‌شود که پیش از نازل شدن آیه شریفه، روسری‌ها را زیر گلو گره نمی‌زده‌اند و گریبان و سینه‌ها پیدا بوده است.

در اینجا لازم است که به معنی «خُمُر» که جمع «خِمار» است، اشاره‌ای شود: «خِمار»، به معنی مطلق پوشش و در اینجا روسری و مقنعه منظور است و آن پوششی است که خانم‌ها از روی سر به سر و گردن می‌اندازند. قرآن کریم هدف از خِمار و جلباب را متفاوت بیان می‌کند. خِمار را به طور مطلق واجب فرموده و از سوره نور فهمیده می‌شود که هدف از آن جلوگیری از تحریک مردان است، ولی جلباب پوششی است که موجب امنیت خود زن می‌شود و او را از شر مزاحمان دور می‌کند؛ بنابراین، خِمار برای جلوگیری از تحریک مردان است، ولی جلباب برای حفظ امنیت خود زن است، پس این دو نمی‌تواند یکی باشد و الا برای امنیت زنان همان آیه نور کافی بود و با وجود آن، آیه دیگری ضروری نبود.

ب. حجاب از دیدگاه سنت

قرآن به همراه سنت، منبع شناخت فرهنگ اسلامی است. برای شناخت اسلام و دریافت دیدگاه شریعت اسلامی درباره جوانب گوناگون جامعه بشری، از این دو منبع استفاده می‌شود. روایاتی که از پیامبر - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین - علیهم السلام - درباره حجاب نقل شده، در صدد توضیح و شرح بیشتر مطالب قرآن درباره حجاب است. سنت، شامل: قول، فعل و تقریر ائمه معصومین - علیهم السلام - می‌باشد؛ بنابراین، هم از احادیث وارد شده درباره این موضوع و هم به نوع سیره و عملکرد آنان در جامعه آن روز می‌توان تاسی کرد. همچنین سیره زنان مسلمان در صدر اسلام را می‌توان به عنوان الگویی از شخصیت متعالی زنان در نظر گرفت، زیرا آنان همواره در برابر نامحرم بدن و موی خود را پوشانیده‌اند، در حالی که در همه صحنه‌های اجتماعی حضور داشتند.

رفتار دختر نبی اکرم، حضرت فاطمه زهرا - علیها السلام - در تمامی عرصه‌های زندگی، نمونه‌ای عالی و الگویی منحصر به فرد برای تمام زنان مسلمان است. در دنیایی

که بشریت، تشنه معرفت و کمال و برای به دست آوردن راه و مسیر خویش، به خاطر تبعیت از الگوهای پوچ و واهی، سرگردان و حیران گشته، چه الگویی بهتر و کامل‌تر از انسان‌های کامل را می‌توان یافت. در روایات موارد زیر درباره حجاب آمده است:

۱. نهی از پوشیدن لباس بدن‌نما

روزی اسماء، یکی از دختران ابوبکر، که خواهر زن پیامبر بود، با جامه بدن‌نما و نازکی به خانه پیامبر آمد. پیامبر روی خود را از او برگرداند و فرمود:

«یا اسماء ان المرأة اذا بلغت المحيض لم تصلح ان یری منها الا هذا و هذا؛ ای اسماء، زن وقتی به حد بلوغ رسید، نباید جایی از بدن و اندامش دیده شود، مگر صورت و دست‌ها» (سجستانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۳).

وقتی پوشش چیزی واجب می‌شود، یعنی آن چیز باید محققاً پوشیده شود؛ پس پوشش نازکی که عضو را مخفی نمی‌کند، پوشش محسوب نمی‌شود.

۲. نهی از آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه

در این مورد روایت شده است:

«و نهی ان تتزین المرأة لغير زوجها فان فعلت كان حقاً على الله عزوجل ان يحرقها بالنار؛ پیامبر - صلی الله علیه و آله - نهی فرمودند از اینکه زن برای دیگران خود را بیاراید و فرمود: اگر برای غیر شوهر خود را آرایش نمود، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰۳، ص ۲۴۳).

۳. پرهیز از نگاه و چشم‌چرانی

امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم نظرة اورثت حسرة طويلة؛ نگاه همانند تیری از تیرهای سرکش شیطان و آلوده به زهر است و چه بسیار است، نگاهی را که مدت آن کوتاه است، ولی موجب حسرت و افسوس بس طولانی و دراز است» (حر عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ابواب النکاح).

۴. ممنوعیت دست دادن با نامحرم

یکی از مواردی که اسلام آن را ممنوع کرده، دست دادن با مرد نامحرم است. در این باره پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «من صافح امرأة تحرم علیه فقد باء بسخط من الله عزوجل؛ هر کس با زنی مصافحه کند که محرم او نیست، غضب حق تعالی را برای خود خریده است» (همان، ص ۱۴۳).

۵. پرهیز از اختلاط زن و مرد

روزی رسول خدا دید که مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آمدند، به زن‌ها خطاب کرد: «بهتر است که شما صبر کنید تا مردها بروند، آنها از وسط و شماها از کنار» و روزی رسول خدا بر یکی از درها اشاره فرمود: «چه خوب است که این در را به زن‌ها اختصاص دهیم» (سجستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۴).

۶. جلوگیری از فساد و بی بند و باری

حضرت رضا - علیه السلام - درباره علت حجاب فرمود: «حرم النظر الی شعور النساء... لما فیہ من تهییج الرجال و مایدعوا الی الفساد و الدخول فیما لایحل...؛ حرام شد نگاه به موهای زنان، برای آنکه اگر موهای آنها در برابر مردان نامحرم آشکار شود، باعث تحریک و جلب خواهد شد و این فساد و بی بند و باری را به دنبال دارد و سبب می‌شود که مردم در کارهای حرام وارد شوند» (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۸۷).

وظایف مردان

در قرآن و روایات علاوه بر دستورهایی که در مورد حفظ حجاب و پرهیز از خودآرایی زنان آمده، مسئولیت‌هایی نیز به مردان واگذار شده است. برخی از این مسئولیت‌ها عبارت است از:

۱. باغیرت بودن

از امام صادق - علیه السلام - روایت شده است: «ان الله تعالی غیور یحب الغیور؛ پروردگار عالم غیرتمند است و انسان غیرتمند را دوست دارد» (پاینده، ۱۳۶۴،

ص ۱۴۳). همچنین فرمود: «مردی که غیرت ندارد، انسانی است که قلبش وارونه است» (حر عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۱۰۸).

۲. هدایت و کنترل همسر و دختران

قرآن می‌فرماید: «خود و خانواده خویش را از آتش جهنم دور نمایید، آتشی که هیزمش مردمان و سنگ‌ها هستند» (تحریم، ۶).

۳. عفت نسبت به زنان مردم

پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: «نسبت به زنان مردم عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند» (حر عاملی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۱۴۱).

ج. حجاب از دیدگاه عقل

عالمان و متفکران اسلامی در فلسفه پوشش مطالبی را مطرح کرده‌اند. اکنون به دلایل حجاب از دیدگاه عقل می‌پردازیم:

۱. حجاب، عامل کنترل غریزه جنسی

از آنجایی که غریزه جنسی از نیرومندترین غرایز انسان محسوب می‌شود، هدایت این غریزه و جلوگیری از تحریک آن نقش عمده‌ای در ساماندهی امور ارزشی و اخلاقی بر عهده دارد. فروید عقیده داشت که تمام مظاهر بیماری‌های روانی به علت سرکوب غرایز جنسی است و تلاش کرد تا جامعه را متقاعد کند تا در مقابل تمایلات جنسی سخت‌گیری زیادی نشان ندهند؛ اما بعد از چند دهه آزادی جنسی به خوبی روشن شده است که از میزان بیماری‌های روانی، نه تنها چیزی کاسته نشده، بلکه به مراتب بیشتر هم شده است. به عقیده روان‌شناسان، شدت امیال لذت‌بخشی که انسان در خود احساس می‌کند، با شدت واکنش‌های غم و اندوه وی در ارتباط می‌باشد. اگر افراد در معرض شدید برانگیختگی جنسی قرار نگیرند، افسرده نیز نمی‌شوند، به طوری که بیشتر تغییرات خلقی نوجوانان و جوانان به دلیل ظهور فراز و نشیب‌های هیجانی در این سن است. اگر انسان به شدت تحریک شود، باید منتظر سستی هم باشد. بدین

لحاظ، به نظر می‌رسد که ثبات هیجان و آرامش در زندگی با دوری از مناظر منافی عفت مرتبط است. از این جهت نیز پوشش و حجاب زنان در جامعه عامل کنترل مناظر تحریک‌کننده به شمار می‌رود.

۲. محفوظ نگه داشتن زن از نگاه‌های آلوده

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است. در واقع، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است. چنانچه زن حدود را رعایت نکند، هر بیمار دلی به او طمع می‌کند و با نگاه آلوده‌اش حریم وی را می‌شکند. در نتیجه، آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر نگاه‌های آلوده به گناه به طرف شهوات کشیده می‌شود.

۳. حفظ سلامت و حیات زن و مرد

حجاب ضمانتی بین زن و مرد است، که از مهم‌ترین اثرات آن حفظ حیات آن دو می‌باشد. نفس انسان میل دارد که به سوی انحرافات پیش رود؛ اما تحکیم عقل سالم، مانع رسیدن انسان به این شهوات می‌شود.

۴. فراهم آوردن زمینه برای حضور زنان در جامعه

وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، بدین معنی نیست که آنان از خانه خارج نشوند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست، در برخی از کشورهای قدیم، مثل ایران قدیم و هند چنین نگرش‌هایی وجود داشته است؛ ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

۵. پیش‌گیری از بروز فساد در خانواده و اجتماع

علت اینکه در اسلام دستور پوشش به زنان اختصاص یافته، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی ویژه زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار و زن شکارچی است. همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار و مرد شکارچی

است (مطهری، ۱۳۵۸). عقل انسان حکم می‌کند که به آنچه منافع سالم و مورد نیاز او را تأمین می‌کند و یا زیانی را از او دور می‌سازد، اقدام کند؛ بنابراین، هر عقلی که اسیر زنجیر شهوت و اوهام نباشد، به لزوم آن حکم خواهد کرد - اگر چه به ادیان الهی پایبند نباشد - چه اینکه جوانه‌های پذیرش فرهنگ حجاب در بین برخی زنان غربی آشکار شده است؛ چرا که خسارت‌های ناشی از برهنگی زن را کاملاً احساس می‌کنند. حجاب یک وظیفه اخلاقی برای همه زنان با هر گونه تفکر است.

د. حجاب از دیدگاه فطرت

انگیزه گرایش زن به حجاب، احساس فطری یا غریزی شرم و حیا می‌باشد. شرم، حیا، عشق و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، تدبیر و مکانیسمی نهفته در خلقت است، همان چیزی که او را وادار می‌کند که حتی گاهی به صورت ناخودآگاه خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به همین لحاظ، وقتی احساس حجب و حیا را از دست می‌دهد، در محیط ناامن اجتماع هم کشف حجاب می‌کند. روان‌شناسان معتقدند که حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تحولات جسمی دوران بلوغ - که معمولاً با بروز حالات روحی و روانی گوناگونی همراه است - عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد. برخی معتقدند که پوشش و حجاب زن، تدبیر هوشمندانه فطری او برای جذابیت بیشتر خویش است.

حجاب، نه به معنای پوشیدن چادر و یا لباسی ویژه، بلکه به معنای پوشیدگی، در قرآن امری فطری تلقی شده است. در سوره اعراف آیه ۲۰ در مورد آدم و حوا آمده است: «فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ؛ آن گاه شیطان هر دو را به وسوسه فریب داد تا زشتی‌های پوشیده آنان پدیدار شود و به دروغ گفت، خدا شما را از این درخت نهی نکرد، جز برای اینکه مبدا دو فرشته شوید یا عمر جاویدان یابید». خلاصه سخن آنکه، نمی‌توان خصلت فطری حیا و شرم را در پیدایش و تداوم پوشش نادیده انگاشت و دنبال علت ظاهری رفت. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی بوده است. نمی‌توان گفت که انسان فقط برای حفاظت از سرما و گرما دنبال پوشش رفت. شریعت اسلامی نیز دفاع از پوشش را بر پایه همین خصلت قرار داده است.

بنابراین، حیا اصل ثابتی در فطرت همه انسان‌هاست که به جنبه روحی انسان برمی‌گردد. البته مصداق‌ها و مواردی که مردم از آن حیا می‌کنند، تابع فرهنگ و نظام ارزشی آنهاست و همه امور فطری تقریباً چنین هستند که مصداقیشان تابع فرهنگ‌هاست؛ ولی با این حال، باید آن مصداق هماهنگ با قوانین الهی باشد و اینجاست که لزوم و جایگاه شرع مقدس در امور فطری خود را نشان می‌دهد و مصداق را در جهت معیار فطری قرار می‌دهد (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

حدود حجاب

اسلام به همه افراد مؤمن جامعه دستور حفظ حدود را داده و در این باره فرقی بین زن و مرد نیست. ابتدا به مردان دستور کوتاه کردن نگاه را می‌دهد و سپس وظایف زنان را بازگو می‌کند. در آیه ۳۰ و ابتدای آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ؛ به افراد با ایمان بگو: چشم‌های خود را کوتاه کنند و در حفظ پوشش اندام خویش بکوشند. این برایشان تزکیه و پاکی بیشتری در بردارد، مسلماً خداوند نسبت به آنچه می‌کنند، آگاه است. به بانوان با ایمان بگو: چشم‌های خود را فرو گیرند، عورت‌های خویش را پوشیده نگاه دارند، زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار ننمایند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه آنان آشکار نشود)».

از این آیه فهمیده می‌شود که پوشاندن همه بدن به جز دست‌ها تا مچ و صورت برای زنان واجب است.

به دنبال استثنای چهره و دست‌ها تا مچ، می‌فرماید: «وَلِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ؛ باید روسری خود را بر روی سینه و گریبان خویش قرار دهند». در تعریف خُمُر که جمع کلمه خمار است، توضیح داده شده که مقنعه یا چارقدی است که باید جلوی گردن را بپوشاند؛ یعنی فقط پوشاندن سر و گریبان با چیز دیگری، مثل کلاه یا شال گردن، نظر قرآن را تأمین نمی‌کند و این پوشش کافی نیست؛ بلکه باید حد خمار (که باید غیر از صورت بقیه سر و گردن را بپوشاند) رعایت شود.

این دو آیه - ۵۹ سوره احزاب و ۳۱ سوره نور - قسمتی از حجاب را بیان می‌فرماید، نه تمام آن را؛ یعنی از تعبیر قرآن هم فهمیده می‌شود که جلباب با خمار تفاوت دارد.

جلباب، لباس تن است؛ اما خمار را هرگز لباس بدن نمی‌گویند. پس معلوم می‌شود که جلباب عام‌تر از خمار است. بنابراین، پوشاندن موها، سینه و گردن واجب است، حتی آشکار کردن زینت‌های زن نیز حرام شده است.

با این وجود، در ادامه آیه ۳۱ سوره نور، گروهی از مردان استثنا شده‌اند که نشانگر محرمان است؛ یعنی گروهی از مردان را معرفی می‌کند که می‌توانند به زینت‌های زن بنگرند و او لازم نیست که زینت‌های خود را از آنان بپوشاند.

«وَلَا يُدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَمْلُوكَاتِ أَيْمَانِهِنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ؛ وَ جَزَ بَرَايَ اَيْنَ اِفْرَادِ، زَيْنَتِ خُودِ رَا اَشْكَارِ نَسَا زَنْد: ۱. شوهرانشان؛ ۲. پدرانشان؛ ۳. پدر شوهرانشان؛ ۴. پسرانشان؛ ۵. پسران همسرانشان؛ ۶. برادرانشان؛ ۷. پسر برادرانشان؛ ۸. پسران خواهرانشان؛ ۹. زنان هم‌کیششان؛ ۱۰. کنیزانشان؛ ۱۱. افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند؛ ۱۲. کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند».

به طور خلاصه، می‌توان گفت که آشکار کردن زینت زن برای شوهر و محارم اشکالی ندارد، محارمی مانند پدر، فرزند، برادر، دایی، عمو و غیره، پس برای آنها می‌تواند سر، گردن، بازوها، دست‌ها و پاها از مچ به پایین را باز بگذارد و بپوشاند.

در ادامه آیه ۳۱ سوره نور چنین آمده است: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ؛ وَ پَاهَايِ خُودِ رَا بَه زَمِينِ نَزَنْدِ تَا زَيْنَتِ هَايِ پَنَهَانِشَانِ (همچون صدای کفش و خلخال) آشکار شود». به دنبال استثنای محارم، که پوشاندن زینت از آنها واجب نیست، مسئله تقوی در آشکار ساختن صدای زیورآلات را سفارش می‌کند. زنان عرب، معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای اینکه دیگران بفهمند که آنها خلخال قیمتی و متعدد به پا دارند، پاهای خود را بر زمین محکم می‌زدند.

از این آیه می‌توان نوع حجاب و حدود آن را در اجتماع استفاده کرد؛ بدین گونه که از هر چه باعث جلب توجه مردان، مخصوصاً بیماردلان شود، باید اجتناب کرد. در حقیقت، تحریک و تطمیع، منع و نهی شده است، هر چند با سخن خاضعانه و یا حرکتی دیگر باشد؛ چرا که تحریک و تطمیع افراد هوسباز، یا به تعبیر قرآن، «بیمار دل» برای خود زن ایجاد مزاحمت و دردسر می‌کند و آزادی عمل و تلاش را از وی می‌گیرد.

قرآن با ظرافت خاصی حدود پوشش و روابط را در محیط خانه نیز ترسیم می‌کند و به کوچک‌ترین مسائل هم توجه دارد. در آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نور چنین آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، مِنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸) وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَذِنُوا كَمَا اسْتَذِنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بدانید که بندگان ملکی شما و اطفالی که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، باید شبانه‌روزی سه مرتبه از شما اجازه بخواهند، یک بار پیش از نماز صبح، دیگر پس از نماز خفتن، سوم هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرند که این سه وقت هنگام خلوت شماسست و بعد از این سه بار اجازه، دیگر چیزی بر شما و آنها نیست که بی‌دستور با بندگان و خاندان خود گرد یکدیگر جمع شوید، خدا آیاتش را بر شما چنین روشن بیان می‌کند که به کار خلق دانا و به مصالح امور آگاه است. آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ رسیدند، باید مانند سایر بالغ‌ها با اجازه وارد شوند، خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند که او دانا و حکیم است.»

رعایت حجاب و عفاف در محیط خانه از اهمیت بسیاری برخوردار است، چون زیربنای شکل‌گیری شخصیت فرزندان و آشنا شدن با احکام اولیه و عادت به نوع و حدود پوشش در سال‌های کودکی ایجاد می‌شود. نقش پدر و مادر و نوع برخورد آنها با یکدیگر در حضور فرزندان مشخص است.

در پایان این بحث لازم است که به سه نکته اشاره کنیم:

الف. رابطه حجاب با آزادی زن در اجتماع: حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا؛ هر کس شهوات‌ها را ترک کند، آزاد خواهد بود». آزادی قلمروهایی، مانند بیان عقیده، فعالیت سیاسی و غیره دارد. حجاب کدام آزادی را سلب می‌کند؟ حال آنکه گفتیم حضور اجتماعی زنان ممنوع نیست؛ بلکه مطلوب است و اختلاط زن و مرد آنجا که اختلاط دو انسان باشد، حرمت ندارد، بلکه اختلاط جنسیت زن و مرد حرام است و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان منعی ندارد، دیگر کدام آزادی است که با حجاب سلب می‌شود؟ مگر اینکه مراد از آزادی، هرزگی جنسی و

بی‌بند و باری‌گریزی باشد، که البته حجاب این آزادی را محدود می‌کند و رسالت حجاب هم همین است.

ب. لباس و تأثیر مدگرایی در اجتماع: لباس، نه تنها تحت تأثیر فرهنگ جامعه است، بلکه معرفی‌کننده شخصیت تک‌تک افراد نیز می‌باشد. البته میان شخصیت افراد و فرهنگ عمومی جامعه نیز ارتباطی قوی وجود دارد. در جامعه‌ای که ارزش‌های والای معنوی و انسانی، بی‌اعتبار باشد و عالم درون انسان، حیثیت و معنایی مستقل از جلوه‌های بیرونی نداشته باشد، حتماً تمامی شخصیت انسان بر اساس توجه دیگران و اظهار نظر آنان درباره وی شکل می‌گیرد و پیداست که افراد در چنین جامعه‌ای سعی می‌کنند که با هر وسیله و از جمله با لباسی که به تن می‌کنند، برای خود نوعی تشخیص و تعیین ایجاد کنند.

مُد و تغییرات زیادی که مرتباً در لباس رخ می‌دهد، چنین تأثیری را در ضمیر و روان افراد می‌گذارد. وقتی که فرد نتواند خود را از راه‌های منطقی و معقول ممتاز و مشخص کند، به هر اقدام دیگری دست می‌زند تا با ایجاد هر گونه تغییری در شکل لباس و نوع آرایش سر و صورت، توجه دیگران را به خود جلب کند.

ج. حرمت لباس شهرت: اسلام می‌خواهد زنان و مردان از یک سنگینی و وجاهت اجتماعی برخوردار باشند. نوع پوشش آنها، به صورت عادی و به دور از هر گونه جلب توجه باشد، حتی پوشیدن لباسی که موجب تمایز فرد در جامعه باشد، ممنوع شده است و اگر لباسی موجب شهرت کسی گردد، آن را حرام اعلام نموده و این را علامت پستی و حقارت فرد می‌داند. در این مورد امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ أَوْ يَرَكِبُ رَا بَهُ تَشْهَرُهُ» در بی‌شخصیتی فرد همین بس که لباسی بپوشد یا مرکبی سوار شود که او را مشهور نماید» (حر عاملی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۵۲).

آثار تربیتی حجاب

اثری که از حجاب در زن به جای می‌ماند، ابتدا در روح و روان او پدیدار می‌شود؛ زیرا وقتی فرد با آزادی و آزادگی برای خود پوششی انتخاب می‌کند و به آن احترام گذاشته و آن را مقدس می‌پندارد، به یقین در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این

همان حفظ ارزش‌های انسانی در زن مسلمان است؛ اما وقتی که زن به واسطه نمایاندن زینت و بدنش در دید نامحرم، از خود تابلویی هنری بسازد که بر دیوار حقارت و پستی آویخته شده، مگس‌هایی در اطراف آن جمع می‌شوند که نتیجه آن، چیزی جز لگدمال شدن شخصیت انسانی وی نیست.

در جامعه‌ای که بانوان در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده، محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روحی آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند. اکنون نتایج و پیامدهای رعایت صحیح حجاب را در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌کنیم:

الف. آثار فردی حجاب

۱. **موفقیت‌های معنوی:** شاید مهم‌ترین تأثیر فردی حجاب همین نکته باشد که زن با اعلام بندگی خویش و اطاعت از فرامین الهی، این حکم را به تمام و کمال اجرا می‌کند و پس از آن، احساس شادمانی و رضایت درونی به او دست می‌دهد که این تاج بندگی را با افتخار به سر نهاده است. زن پوشیده، از بین خود و خدا، خدا را برگزیده است و از بین احکام دین و خواسته‌های نفس، به احکام دین روی آورده است. چنین انتخابی به روحیه، تفکر و عمل او، حال و هوای دیگری می‌بخشد و به پوشش او معنا می‌دهد و آن را عملی منطقی، خداپسندانه و در راستای حرکت‌های تکاملی او قرار می‌دهد. وقتی زن تقوای جنسی را رعایت کند و خود را از نامحرم بپوشاند، وعده‌های الهی که برای پرهیزکاران داده شده است، درباره او محقق می‌شود، دارای قوه تشخیص حق و باطل می‌شود و راه سعادت و بدبختی را در زندگی می‌شناسد، گناهانش پوشیده و مورد آمرزش قرار می‌گیرد و از موفقیت‌های دیگری، مانند درک شیرینی عبادت، شهادت، حق‌گویی، تکالیف شرعی و ترک محرمات در همه شرایط و پرورش استعدادها برخوردار می‌شود (اکبری، ۱۳۷۷، ص ۹۸).

اسلام اصولاً به پیش‌گیری معتقدتر است، تا مداوا. به همین دلیل، با طرح سلسله اصولی، انسان را از قرار گرفتن در برابر خطر و گناه باز می‌دارد. مهم‌ترین این اصول،

ایمان و اعتقاد به حضور در محضر خداوند است که از مهم‌ترین جاذبه‌های کمالات معنوی و روحانی است.

۲. حفظ احترام و ارزش فردی: اصولاً غلبه بر هواهای نفسانی و گذشت از لذت‌های حرام به انسان هیبت و وقار می‌بخشد. حجاب زن جهاد اکبر اوست که در ورای آن نفس اماره به زانو درآمده است. این حقیقت را همه می‌دانند و حتی دانشمندان غیر مسلمان به آن اذعان دارند که حجاب به زن هیبت و وقار می‌دهد و او را شایسته احترام دیگران می‌کند. زنان خودنما مطلوبیت جنسی دارند؛ اما محبوبیت ارزشی ندارند.

به طور کلی، مردان دو نوع نگاه متفاوت نسبت به زنان دارند: با زنانی که دارای جلوه‌گری یا پوشش ناقصی هستند، برخوردی شهوی، تفریحی و ظاهری دارند؛ اما برخورد آنان با زنان پوشیده، برخوردی همراه با احترام و تکریمی قلبی است. اصولاً مردها قدرت ادامه نگاه به چهره زنان پوشیده را ندارند، زیرا حجاب اسلامی نگاه‌شکن است و سر به زیری مرد به هنگام سخن گفتن با زنان خود نوعی تکریم و احترام به آنهاست.

بی‌حجابی، ارزش‌های واقعی زن را تحت الشعاع ظواهر جسمی‌اش قرار می‌دهد و او را فدای هرزگی‌ها و طمع‌ها می‌کند. تنها راه بالا بردن شخصیت زن پس از کسب معارف حقیقی و پایبندی به صفات حیا و عفاف، حجاب اوست. برتری شخصیت زن در این است که دارای کمال همسری، کمال مادری و کمال اجتماعی باشد. زنی که به لحاظ همسری، ناقص و به لحاظ مادری، ناتوان و به لحاظ اجتماعی، ملعبه و بازیچه است، از برتری شخصیت بی‌بهره است (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵۴-۵۵). البته این نکته را باید متذکر شویم که حجاب صرفاً برای حفظ احترام زن نیست؛ بلکه رعایت حجاب به همراه صفات عفت و حیا و اطاعت از اوامر الهی او را شایسته احترام می‌کند.

۳. مصونیت، آرامش و امنیت زن: انسان در پناه محافظ، احساس آرامش بیشتری دارد و در صورت پیشامدهای احتمالی از مصونیت آن برخوردار است. پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هر چه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود (اکبری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

«زن موجودی گرامی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض و دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد» (قائمی،

۱۳۷۳، ص ۳۹۰). حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی وی دارد؛ زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ کسی جرئت تعرض به او را پیدا نمی‌کند.

ب. آثار خانوادگی حجاب

۱. **مرزداري لذات:** در فلسفه پوشش زن در اسلام، انحصاری بودن لذات را نیز می‌توان ذکر کرد. اسلام می‌خواهد همه گونه التذاذات جنسی، چه لمسی، چه بصری و چه سمعی، در قالب ضابطه و قانون و در انحصار خانواده باشد، تا زن و مرد با تمام وجود در کنار یکدیگر و در مسیر تشکیل خانواده و تداوم آن در حد سنگر محکم و قابل مسکن باشند تا در آن سنگر با خاطری مطمئن و آرامشی اندیشه‌پرور به سازندگی و رشد خود و نسل‌شان تا حد کمال، کوشش و اقدام نمایند (همان، ص ۳۹۴).

۲. **آرایش صحیح و دلپسند در خانواده:** اگر زن چشمه عواطف خود را در کانون خانواده بریزد، زیبایی‌ها و آرایش خود را به خانواده محدود کند و در جامعه با متانت، وقار و پوشیدگی ظاهر شود، هم خانواده خود و هم خانواده‌های دیگر گرم، محفوظ و محکم می‌مانند؛ ولی اگر زن در جامعه پا را از حریم عفت و حجاب بیرون بگذارد، نه تنها اولین ضربه را به زندگی خانوادگی خود وارد آورده، بلکه خانواده مردان دیگری را هم که با این خودآرایی و خودنمایی رو به رو می‌شوند، در معرض تباهی قرار می‌دهد، زیرا با مشاهده این صحنه‌ها، به تدریج موقعیت همسران آنها در نظرشان تضعیف می‌شود و از تعلق قلبی‌شان نسبت به خانواده خود کم می‌گردد (خسروی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۸).

بر این اساس می‌توان گفت: حجاب، حصاری معنوی است که پیرامون خانواده کشیده شده و آن را از بی‌فروغی و از هم پاشیدگی محفوظ می‌دارد.

۳. **استحکام و ثبات خانواده:** بدون شک سعادت هر جامعه‌ای در گروی سعادت خانواده‌های آن جامعه است. خانواده، کوچک‌ترین و در عین حال، حیاتی‌ترین و ارزشمندترین هسته و عنصر اجتماع است. خانواده، کانون پرورش نسل آینده و پناهگاه روحی و عاطفی برای افراد اجتماع است. اگر خانواده‌ها برای حفظ افراد خود جاذبه کافی نداشته باشند، جامعه رو به از هم پاشیدگی می‌رود. جامعه‌ای که عنصر خانواده در

آن متزلزل است، مثل ساختمانی است که از آجرهای پوک و پوسیده بنا شده است، کمترین طوفان حادثه‌ای می‌تواند ساختمان جامعه را فرو بریزد؛ بنابراین، برای حفظ جامعه باید در حفظ و استحکام خانواده کوشید و راز نابسامانی غرب، هم تا حد زیادی در عدم توجه به همین عنصر سازنده است. اختصاص یافتن عواطف جنسی زن و شوهر به یکدیگر در محدوده ازدواج مشروع، مهم‌ترین عامل حفظ، استحکام و ثبات خانواده است.

این نکته که زن‌ها با حجاب خود، هم در تحکیم خانواده شخصی خود نقش دارند و هم در ثبات خانواده دیگری، امری واضح و روشن است. اما نقش حجاب در تحکیم خانواده شخصی زن، به این لحاظ است که اطمینان و اعتماد شوهر را به پاکی خود جلب می‌کند و قطعاً چنین اعتماد و اطمینانی در حفظ خانواده مؤثر است. اما نقش آنها در ثبات خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که هر گاه مردها از تمتعات خارج از محدوده زناشویی و خانوادگی محروم باشند، طبعاً به همسران خود بیشتر توجه دارند و در نتیجه، خانواده‌ها استوارتر می‌شوند.

«البته این نکته را هم باید توجه داشته باشیم که حجاب، شرط لازم استحکام خانواده است و نه شرط کافی آن؛ بنابراین، آنها که می‌خواهند بنیان خانواده تزلزل نیابد، باید به شرایط دیگر نیز توجه کنند، اما در عین حال، می‌توان گفت: حجاب از مؤثرترین عوامل تحکیم روابط خانوادگی و بی‌حجابی از مخرب‌ترین عوامل تزلزل خانوادگی است» (سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۵۶-۵۷).

۴. سلامت نسل: خداوند حکیم، امیال و نیازهای گوناگونی را در وجود انسان قرار داده است تا بشر به وسیله آنها، حیات مادی و معنوی خود را تکامل بخشد. میل جنسی، یکی از امیال و غرایزی است که ایزد یکتا در وجود انسان قرار داده است تا به واسطه آن بنیان خانواده شکل گرفته و بقا و سلامت نسل و ادامه حیات جوامع بشری تضمین شود و تعالیم دینی نیز راه‌های معقول و مشروع برآوردن آن را مشخص نموده است. اگر میل جنسی در مسیر صحیح و سالم قرار بگیرد، علاوه بر اینکه سلامت نسل حفظ می‌شود. انسان نیز در مسیر کمال جسمی و روحی و نهایتاً آرامش قرار می‌گیرد و اگر در مسیر غلط، انحرافی و افراطی بیفتد، باعث هلاکت و تباهی انسان می‌شود و ضربه‌ای سخت و جبران‌ناپذیر به سلامت نسل بشری وارد می‌آید (خسروی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲).

برخی مانند برتراند راسل پنداشته‌اند که جلوگیری از معاشرت‌های آزاد، صرفاً به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است، در صورتی که بحث فقط پاکی نسل نیست؛ بلکه مسئله مهم دیگر، ایجاد پاک‌ترین عواطف بین زوجین و برقرار کردن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تحریکات جنسی که در حواس پنج‌گانه آدمی به وجود می‌آید، بر روی سیستم تولید نسل او نقش مؤثری دارد.

دانشمندان معتقدند تحریکاتی که در چشم به وجود می‌آید، بر غده هیپوفیز - که غده کوچکی در زیر مغز است - اثر می‌گذارد. این غده، شش هورمون تولید می‌کند که سه نوع آن روی سیستم تولید نسل تأثیر داد. نگاه به زنان بدحجاب، چنین اثری را به همراه دارد و در نهایت به تأثیر منفی در فرزندان و اختلالات وراثتی منتهی می‌شود.

با توجه به آنچه بیان شد، زنان و دختران خودنما تأثیر ناروا و غیر قابل بخششی را بر سلامت نسل‌های اجتماع خواهند گذاشت؛ در حالی که خود آنها از اختلالات وراثتی آن بیزارند. فلسفه حجاب، پیش‌گیری از چنین آثاری است.

ج. آثار اجتماعی حجاب

۱. ثبات و سلامت اخلاق جامعه: اسلام برای حفظ سلامت اخلاق در جامعه، برخورد جدی و متین مرد و زن را پیشنهاد داده است. خداوند در مورد سخن گفتن و حتی در مورد راه رفتن به زنان تذکر داده که به گونه‌ای راه نروند که توجه مردان را برانگیزند (مضمون آیه ۳۱، سوره نور)؛ بنابراین، سلامت اخلاق جامعه از اهداف والای اسلام است. پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه و آله - فرمودند: «من برای تمام کردن مکارم اخلاق، مبعوث شدم». دقت در این بیان حکیمانه رهبر بزرگ اسلام، این نکته را روشن می‌کند که برای تمام کردن مکارم اخلاقی جامعه، باید از همه زمینه‌ها استفاده شود. قطعاً یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز، حجاب است.

برای جریحه‌دار نشدن عفاف جامعه همه باید تلاش کنند و همه به سهم خود، وظیفه دارند که پاسدار عفاف جامعه باشند. به همین خاطر است که می‌گویند پاسداری از عفاف جامعه، یکی از وظایف اجتماعی همه افراد است، البته که سهم زنان در این بعد سنگین‌تر می‌باشد.

ممکن است که گفته شود: بی‌حجابی و بی‌بند و باری، دو مقوله جدای از هم است و اگر زنی بدون حجاب باشد، لزوماً بی‌بند و بار نیست. چنان که اگر زنی بی‌بند و بار باشد، حتماً لازم نیست که بی‌حجاب هم باشد.

البته این مطلب تا حدودی مورد قبول است؛ اما سخن این است که بی‌حجابی، مقدمه بی‌بند و باری است و خود زمینه‌ساز تمتعات شهوانی در غیر چارچوب ازدواج است؛ بنابراین، باید جلوی آن را از سرچشمه گرفت. برای اینکه عفاف خانواده‌ها و جامعه جریحه‌دار نشود، چاره‌ای جز این نیست که از ارزش والای حجاب، پاسداری شود و برای اینکه زن در بعد اجتماعی، حد بالای توفیق را به دست آورد و محیط مقدس خدماتی‌اش به هرزگی‌های شهوانی آلوده نشود، باید حجاب را حفظ کرد.

درست است که هر کسی وظیفه دارد که چشم خود را از نامحرمان فرو پوشد؛ اما هر کسی نیز وظیفه دارد که جسم خود را به گونه‌ای شهوت‌انگیز در برابر نگاه دیگران قرار ندهد. از جسم و ظواهر جسمانی نباید به عنوان کالایی شهوت‌انگیز، استفاده کرد و چشم‌های هرزه را به آن متوجه کرد.

اگر دو هدف پیشین در آثار خانوادگی حجاب، یعنی ثبات خانواده و سلامت نسل، در سایه پوشش اسلامی و دینی به خوبی در جامعه پایه‌ریزی و عملی شود، هیچ عنصر و عامل منحرف‌کننده‌ای نمی‌تواند آن جامعه را از هدف واقعی خویش باز دارد؛ چرا که سعادت و کمال جامعه به دو عامل خانواده و سلامت نسل بستگی دارد. اگر نگاهی گذرا به جوامع غربی و آمریکایی بیندازیم، می‌بینیم که ثبات و سلامت جامعه در آنجا از لغزش خاصی برخوردار است؛ زیرا آنها از لحاظ رعایت نکردن پوشش و حفظ نکردن عفت، حیا و کنترل‌گریزه جنسی هم در اجتماع و هم در خانواده باعث شده‌اند که پایه و اساس شخصیت فردی و اجتماعی آسیب‌کلی ببینند.

۲. آزادی زن: منظور ما از آزادی، آزادی در راه کار، تلاش، تحصیل، رشد و پیشرفت است.

آنچه نیروی کار و فعالیت اجتماع را تضعیف می‌کند، کشاندن لذت جنسی از محیط خانه به اجتماع و همچنین ترویج بی‌حجابی و روابط آزاد جنسی است. چنین نیست که حجاب به صورت زندانی کردن و محروم ساختن زن از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد و با این عمل، استعدادها و او حبس شود. اسلام مانع بیرون رفتن و

تحصیل علم و دانش زن نیست؛ بلکه تحصیل علم و دانش را بر مرد و زن واجب می‌داند. اسلام هیچ گاه نمی‌خواهد که زن بیکار بنشیند و وجودی باطل بار آید. پوشانیدن بدن مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان نمی‌شود و آنچه سبب فلج کردن این نیرو است، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است.

اینجاست که می‌بینیم که امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، طی یک سخنرانی در ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ فرمود: «در وزارتخانه اسلامی نباید زن‌ها لخت بیایند و بروند؛ اما باحجاب باشند، مانعی ندارد که بروند و کار کنند، اما با حجاب شرعی و در حفظ جهات شرعی باشند».

گاهی اوقات مخالفان می‌گویند که آزادی، حق طبیعی بشر است و حجاب، مانع آزادی است. در پاسخ و توضیح کلمه آزادی باید بگوییم که این ایراد تنها مختص حجاب نیست، بلکه در مورد روزه هم می‌توان مطرح کرد که حکم روزه مخالف آزادی انسان در غذا خوردن است و همچنین مقررات راهنمایی و رانندگی در دنیا مزاحم رانندگی آزادانه رانندگان است و نیز تمام محرمات و واجبات، آزادی انسان‌ها را محدود می‌کند. البته معلوم است که در مکتب لائیک همه چیز جایز است. از این رو، سخن ما این است که وقتی دین و مکتبی را پذیرفتیم، باید به احکام آن پایبند باشیم. ما مسلمان هستیم و پایبند قرآن و سنت می‌باشیم، پس باید با عبودیت و بندگی خدا، آزادی‌های حیوانی خود را طبق فرامین الهی محدود کنیم.

۳. حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی: امروزه در بسیاری از جوامع، از لباس بهره‌گیری سیاسی دارند. هندیان را در نظر بگیریم که چگونه لباس را به صورت یک سند سیاسی در آورده و با همان پوشش خاص در مجامع رسمی بین‌المللی شرکت می‌کنند. در جوامع آفریقایی، مردان و زنان را در نظر بگیریم که چگونه از لباس سند استقلال می‌سازند و بر اساس همان سند، خود را از دستبردها و تهاجم‌های فرهنگی غرب حفظ می‌کنند، یا در جوامع اسلامی، زنان با پوشش خاص خود در قالب حجاب یا ستر سعی دارند که استقلال فکری‌شان را در قبول اسلام اعلام کنند.

«لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس نشانگر تغییرات اندیشه است و به تبع آن، تغییر در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود، که در آن

صورت، استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، به ویژه از آن جهت که وضع برون حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که اندیشه وابستگی در درون رخنه کرده و در ظاهر افراد متجلی شده است» (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۵-۳۸۷).

«به گفته مونتسکیو در حکومت دموکراسی از دست رفتن عفت، بزرگ‌ترین بدبختی‌ها و مفساد را باعث می‌شود تا جایی که اساس حکومت را از بین خواهد برد» (همان). این واقعیتی است که باید به آن اعتراف کنیم که گاه گسترش آلودگی‌ها و مفساد سبب براندازی یک حکومت است و ما مصداق‌های آن را در عرصه‌های گوناگون این جهان بزرگ در آمریکای لاتین، خاورمیانه و غیره دیده‌ایم و آیندگان شاهد سقوط بسیاری از جوامع دیگر در آینده خواهند بود.

حجاب برای جوامع جهان سوم می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سر راه مقاصد شوم آنها باشد. زنان الجزایری در مبارزات خود با قوای مهاجم فرانسه این مسئله را به خوبی نشان دادند و ضربه خود را بر آنان وارد کردند. در واقع، آنها نشان دادند که مسلمانان و غلبه کفر بر اسلام را نمی‌پذیرند.

«اگر حجاب را در جامعه اسلامی لااقل از همین دید بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید. در یک جامعه اسلامی حتی یک ملی‌گرا هم باید به خاطر استقلال و وطنش و حفظ امنیتش حجاب را بپذیرد و البته یک مسلمان به خاطر ایمان و اعتقادش آن را بپذیراست» (همان، ص ۳۸۷).

اگر استعمار بتواند عفت و پوشش را از زن بگیرد، همه چیز آن جامعه، از جمله مردان آن را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار دهد. یکی از رموز موفقیت انقلاب اسلامی ایران نیز در همین بود که زنان به سرعت خود را یافتند و با توسل به حربۀ حجاب در مقابل رژیم خودفروخته پهلوی ایستادند و آن را به زانو درآوردند.

۴. حفظ نیروی کار اقتصادی: «حجاب عامل حفظ نیروی کار است، باعث می‌شود که اوقات رسمی هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها، طراحی برای به دام انداختن‌ها و صرف وقت برای عیش و نوش‌ها از میان برداشته شود. کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار سبب آن خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود» (همان، ص ۳۹۸).

از طرفی دیگر، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مدیریت‌ها و رقابت‌های ناشی از آن، از بین می‌برد. اگر زنان خود را به خودآرایی و خودنمایی در جامعه مقید نکنند و با لباس ساده و مرتب در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شوند، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدیریت، به خودی خود از بین می‌رود.

هزینه‌های سنگین مواد آرایشی و لباس‌های گران قیمت، به خصوص با تغییرات مداوم مدها، بار مالی طاقت‌فرسایی را بر دوش اقتصاد خانواده‌ها و جامعه تحمیل کرده و علاوه بر آن، باعث به هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود.

روش‌های درونی کردن حجاب در دختران

۱. ارتقاء و تقویت ایمان به خدا

برای درونی کردن و گسترش فرهنگ حجاب، همراه با فضیلت عفاف و حیا، ابتدا باید به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی افراد جامعه توجه شود که در حکم روح و ریشه اخلاق و رفتار آنان است. یکی از مهم‌ترین عوامل بدحجابی، ضعف ایمان و معنویت است که سبب ضعف حیا می‌شود. ایمان، مانند پناهگاهی است که انسان را از افتادن در گناهان حفظ می‌کند. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «المؤمن بعمله؛ ایمان انسان در گروی عمل او جلوه‌گر است» (آمدی، ۱۳۷۳، ص ۶۲).

باورهای درست و ایمان‌های محکم، عالی‌ترین نقش را در کیفیت زندگی فرد و جامعه ایجاد می‌کند.

۲. اطلاع‌رسانی در زمینه احکام حجاب (زنان و مردان به طور جداگانه)

ناآشنایی برخی از جوانان با احکام و حدود پوشش، از دیگر علل بدحجابی است. بی‌اطلاعی از حدود روابط بین محرم و نامحرم و چگونگی پوشش اسلامی، به معضل بدحجابی و بی‌حجابی منجر می‌شود. در حالی که، اگر چنین افرادی با احکام اسلامی پوشش آشنا باشند، در صدد اصلاح بر می‌آیند.

۳. بیان استدلال‌های حکم حجاب و آثار مثبت آن

وقتی فلسفه و آثار فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی عفاف و حجاب به صورت صحیح و همراه با استدلال در زندگی جوانان بیان و نتایج سوء رعایت نکردن آن ترسیم شود، می‌تواند به درک حقیقت عقلانی و منطقی حجاب و عفاف کمک کند.

۴. شناسایی و معرفی الگوهای برتر حجاب

تردیدی نیست که تأثیر قهرمانان بزرگ در زندگی انسان‌ها فراوان است. بشر سعی می‌کند که همواره نمونه‌هایی برجسته در زندگی خود بجوید و اخلاق و رفتار خود را با آنها تطبیق دهد. الگوها در ساختار روحی و رفتاری، نقش مهمی دارند. امروزه یکی از مسائل جدی این است که زن مسلمان آن چنان که بایسته و شایسته است، با چهره‌های برتر تاریخ اسلام آشنا نیست.

اگر زن حب علی را در دل جا داد، از خاندان او الگو پذیرفت و آنان را سرمشق خود قرار داد، رویین تن می‌شود و حضورش در جامعه، نه تنها دلهره‌آفرین نخواهد بود؛ بلکه باعث اطمینان خاطر می‌شود؛ بنابراین، آموزش حب اهل بیت، به معنای آموزش الگوگیری، سرمشق‌گزینی و اثرپذیری خواهد بود. در مراتب محسوس برای نوجوانان توجه به الگوهای آنان به خصوص نوع حجاب معلمانشان بسیار اثرگذار است.

۵. اصلاح تبلیغات رسانه‌ها و متولیان حجاب در جامعه

یکی از حوزه‌های مهمی که به نظارت دقیق نیاز دارد، حوزه چاپ و نشر کتب و مطبوعات، تهیه و تولید فیلم‌ها و تکثیر نوارها و نیز برخورد قاطع با حرکات موزیانه و شبه روشنفکری است که با تولید محصولات مغایر با امر توسعه عفاف فعالیت می‌کنند.

۶. ترویج و احیای تعلیم و تربیت دینی فرزندان در مدارس

مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. کارآموزی مسائل دینی، مانند کارآموزی‌های دیگر موارد درسی یک ضرورت است. توصیه بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به یک دستور خشک و تحمیلی تبدیل می‌کند؛ اما توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند. معرفت حجاب خود ضامن اجرای آن است.

۷. امر به معروف و نهی از منکر

اگر امر و نهی دینی با گستردگی و شهامت در جامعه اجرا شود و زنان خودنما همواره مورد امر به معروف جامعه اسلامی قرار گیرند، بخش زیادی از بدحجابی‌ها برطرف می‌شود. البته برای بیان حق باید از روش‌های مؤدبانه و دوستانه استفاده کرد؛ چرا که باید توجه داشت که اگر نفس حقیر شود، تربیت‌پذیر نخواهد بود.

۸. بسترسازی فرهنگی در راستای حیا، عفاف و حجاب

برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش صحیح در جامعه، ابتدا باید فرهنگ حیا را ایجاد نمود، سپس برای عفاف برنامه‌ریزی کرد و در پی آن در جهت حفظ حریم‌ها تلاش کرد، سپس به محسوس‌ترین سطح، یعنی حجاب پرداخت. حیا، امری کاملاً درونی است که از نمادهای بیرونی مشخص می‌شود. اگر به صورت ریشه‌ای کار شود و افراد جامعه با حیا تربیت شوند، برای احیای فرهنگ حجاب به زمان زیادی نیاز نخواهیم داشت؛ بنابراین، فرهنگ‌سازی در زمینه حیا زمان طولانی‌تری نسبت به ایجاد فرهنگ عفاف و یا مرحله بعد، حجاب دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان گفت که حجاب، رفتاری الهی است که برای ایجاد ارتباط میان عوامل ذیل می‌کوشد:

الف. ارتباط فرهنگ و دین: از آن جهت که خالق ستار، حدود حجاب را مشخص کرده؛ اما اجرای آن را به عرف و فرهنگ بشری واگذار نموده است.

ب. ارتباط میان تکامل و اختیار در رفتار انسانی: به دلیل اینکه حجاب یک فعلی است که زن مسلمان برای کمال خود آن را برگزیده است.

ج. ارتباط میان عقل و ایمان: به خاطر اینکه حجاب، ایمان عملی زن است که تکیه‌گاه اجرای آن، تفکر و تعقل است.

د. ارتباط حجاب با سیاست و دیانت: حجاب جلوه‌های گسترده‌ای در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشته و نماد هویت دینی و ملی فرد محسوب می‌شود.

در پایان، بر اساس تعریف ما از تربیت اسلامی که «فرایند ساخت و پرداخت افکار، اخلاق و اعمال خدا محورانه، مطابق با آموزه‌های اسلامی است» (بهشتی، ۱۳۸۲،

ص ۱۳۸)، حجاب در نفس و فکر زن اثرات آرامش، توازن و طمأنینه می‌گذارد و اضطراب را از او دور و صفات ملکوتی را در وی بیدار می‌کند، شاید بدین جهت است که افراد ناهنجار و مغرض، با دیدن حجاب، مشوش و مضطرب می‌شوند. حجاب به تمرکز اعمال عبادی برای تقرب به خدا کمک می‌کند؛ زیرا هر چیز که موافق قوانین حقّ الهی باشد، به ایجاد نظم و اعتدال کمک می‌کند. مهم نیست که صورت حجاب از چه نوعی باشد (مانتو، مقنعه، چادر و غیره)، مهم روح و معنای آن است که مهر تأییدی از سوی خالق یکتا است و زن مسلمان، حجاب اسلامی را به عنوان تاجی افتخارآفرین و عزتمند به قصد قرب الهی بر سر می‌نهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۲ هـ.ق)، ترجمه محی‌الدین الهی قمشه‌ای، قم: هجرت.
- اکبری، محمد رضا (۱۳۷۷)، *تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر*، تهران: انتشارات پیام عترت.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۳)، *غررالحکم و دررالکلم*، به شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بانکی‌پور فرد، امیر حسین (۱۳۸۳)، *حیا*، اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۲)، «تربیت اسلامی»، تهران: فصلنامه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۴)، *نهج الفصاحه*، تهران: انتشارات کانون جاوید.
- جلالی، زینب (۱۳۷۲)، *حجاب از دیدگاه روان‌شناسی*، سلسله نشست‌های پژوهشکده امام خمینی (ره).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، *وسایل الشیعه*، ۲۰ جلد، تهران: انتشارات اسلامی.
- خسروی، حسن (۱۳۷۰)، *مجموعه مقالات پوشش و عفاف*، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن.
- رهر، محمد تقی (۱۳۶۸)، *حجاب و شخصیت زن در اسلام*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۸)، *حجاب و آزادی (مجموعه مقالات کنفرانس زن)*، تهران: چاپخانه علامه طباطبایی.
- سجستانی، ابی داود (بی‌تا)، *سنن ابی داود*، قاهره: دار الاحیاء السنة النبویة.
- صدوق، ابو جعفر (۱۳۷۶)، *علل الشرایع*، قم: انتشارات مکتبه الداوری.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمد.
- قائمی، علی (۱۳۷۳)، *حیات زن در اندیشه اسلامی*، تهران: انتشارات امیری.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۶)، *بحار الانوار*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ۱۱۰ جلد، تهران: مکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.

_____ (۱۳۵۸)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

مهدی زاده، حسین (بی تا)، بررسی شبهات حجاب، سلسله نشست‌های پژوهشکده امام خمینی (ره)، تهران.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی